

# غزایب و عجایب ختای

یاسفرنامه چین



سرشناسه	: غیاث‌الدین نقاش، قرن ۹ق.
عنوان و نام پدیدآور	: غرایب و عجایب ختای یا سفرنامه چین / به روایت غیاث‌الدین نقاش (۸۲۲ تا ۸۲۵ هجری)؛ به کوشش محسن فاتحی.
مشخصات نشر	: تهران : آماره ، ۱۴۰۱
مشخصات ظاهری	: ۱۳۸ ص.
شابک	: 978-622-7326-52-9
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۳۱-۱۳۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: غیاث‌الدین نقاش، قرن ۹ق. -- سفرها -- خاطرات
موضوع	: سفرنامه‌های ایرانی -- قرن ۹ق.
	-- 15th century Travelers' writings, Iranian
موضوع	: چین -- سیر و سیاحت China -- Description and travel
شناسه افزوده	: فاتحی، محسن، ۱۳۵۶ -
رده‌بندی کنگره	: ND۷۸۹
رده‌بندی دیویی	: ۰۹۵۵/۷۵۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۶۷۰۲۵۴

# غزایب و عجایب ختای

یاسفرنامه چین

به روایت

خواجه غیاث الدین نقاش

(۸۲۲ تا ۸۲۵ هجری)

به کوشش

محسن فاتحی



نشرآماره

© Nashr-e-Amareh, MMXXII



نشرآماره

عنوان: غرایب و عجایب ختای یا سفرنامه چین

به روایت خواجه غیاث‌الدین نقاش

به کوشش: محسن فاتحی

شابک: ۹-۵۲-۷۳۲۶-۶۲۲-۹۷۸

نوبت چاپ: اول، سال چاپ: ۱۳۹۹

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

© تمامی حقوق چاپ و نشر برای نشرآماره محفوظ است

دفتر مرکزی نشرآماره: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ابتدای

خیابان دوازده فروردین، پلاک ۳۱۶، واحد ۴ تلفن ۰۹۳۶۸۷۶۴۳۹۱

برای آگاهی از اطلاعات بیشتر به وب سایت نشرآماره مراجعه کنید:

[www.nashreamareh.ir](http://www.nashreamareh.ir)

## مقدمه

امیر تیمور گورکان وقتی از تاختن به چهارسوی ربع مسکون فارغ شد و تصمیم گرفت دیگر به چینیان خراج نپردازد و امپراطور آن‌ها را «دزد و بددل و دشمن» نامید و حتی اجازه داد او را «تنگوز یا خوک»<sup>۱</sup> خطاب کنند، درواقع مترصد فرصتی برای حمله به چین نشسته بود. اما درست در لب مرزهای ختای در ساحل شرقی سیحون؛ در اترار، اجل مهلتش نداد و به سال ۸۰۷ هجری درگذشت و هنوز جسدش بر زمین بود که نبردهای جانشینی آغاز شد.

تیمور پیش از مرگ، با وجود زنده بودن دو فرزندش؛ میرانشاه و شاهرخ، نوه اش پیرمحمد پسر جهانگیر را به عنوان جانشین مشخص کرد. آشکار بود که این انتخاب مورد توافق بازماندگان قرار نخواهد گرفت، به همین دلیل خیلی زود بادهای صرصر رقابت بر سر تصاحب سریر پادشاهی وزیدن گرفت. پس از کش و قوس‌های فراوان، سرانجام باد موافق بر بیرق میرزا شاهرخ، پسر کوچک تر تیمور، وزید و او که حاکم خراسان بود توانست دیگر حریفان را به ششدر تمکین دراندازد و بر اورنگ جهانبانی صاحبقرانی تکیه زند.

---

<sup>۱</sup> سفرنامه کلاویخو، ص ۲۲۶.

شاهرخ از سال ۸۰۷ هجری تا زمان درگذشتش در ۸۵۰ هجری، جنگ و جدال‌های زیادی چه با امیران سرکش و یاغی خودش و چه با ترکمان‌های قرايوسفی در آذربایجان داشت. با این وجود پس از تثبیت شرایط، همسایگان شاهرخی، چه ازبک‌های دشت قبچاق و چه پادشاهی سلسله مینگ در چین، برای برقرار ارتباط اقدام به فرستادن ایلچیان متعدد کردند.

سلسله مینگ از سال ۷۶۹ تا ۱۰۵۳ هجری بر چین حکومت کردند.<sup>۱</sup> به گفته ماتتوریچو، مینگ یا دامینگ نامی است که پس از تأسیس سلسله مینگ به کشور چین اطلاق شد.<sup>۲</sup> از این رو یونگ لو، دومین خاقان این سلسله، که از ۸۰۶ تا ۸۲۹ هجری بر چین فرمانروایی می‌کرد همان دایمینگ‌خان مذکور در زبده‌التواریخ حافظ ابرو و سفرنامه خواجه غیاث‌الدین نقاش است. علی‌اکبر خطایی که در دوره شاه اسماعیل به

---

<sup>۱</sup> محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه ذیل وقایع سنه ۱۰۵۴ هجری آورده است: «در این سال طایفه مینگ یعنی مغول که دو‌یست سال بود سلطنت چین می‌کردند منقرض شدند، به این معنی که طایفه مانچو (من‌چیو) که از طوایف تاتار می‌باشند و در وسط قزاق و قلموق و سونکر توطن داشتند اجتماع کرده به تسخیر مملکت چین شتافتند و بر این مملکت غلبه کرده طایفه مینگ را مقهور و منقرض ساختند و خود به سلطنت چین جلوس نمودند و سلطنت چین الی زماننا هذا مخصوص طایفه مانچو است» (تاریخ منتظم ناصری، ج ۲/۹۴۹).

<sup>۲</sup> چین‌نامه، ص ۱۳۲.

چین سفر کرده است اطلاعات جالبی در مورد مسجدی در شهر سیان می‌دهد که در دوره این دایمینگ خان ساخته شده است<sup>۱</sup> و نشان می‌دهد که مسلمانان چین در این دوره از آزادی قابل قبولی برخوردار بوده‌اند، موضوعی که سفرنامه خواجه غیاث‌الدین نیز بر آن صحنه می‌گذارد.

از متن سفرنامه خواجه غیاث‌الدین چنین برمی‌آید که خاقان چین علاقه وافری به ارتباط با سرزمین‌های غربی سرزمینش داشته است، ارتباطی که چه به خاطر اسب‌های نژاد خوب امیر قره‌یوسف ترکمان و چه به خاطر آمدش بازرگانان و تاجران و رونق اقتصادی چین بود. بر همین اساس دایمینگ خان، با آگاهی از فروکش موج جنگ‌افروزی‌های تیمور و به خصوص آرامش‌طلبی شاهرخ و فراموش کردن دشمنی‌های کهن و باج و خراج‌های گذشته، از سال ۸۱۱ تا ۸۲۲ هجری چهار هیأت سیاسی به دربار شاهرخ میرزا در هرات فرستاد.

### گروه نخست ایلچیان در سال ۸۱۱ هجری

اولین گروه ایلچیان چینی که در سال ۸۱۱ هجری به شهر هرات رسید، حامل پیام تسلیت دایمینگ خان به مناسبت وفات امیر تیمور و تقاضا برای تسهیل روابط تجاری و بازرگانی بود. شاهرخ این هیأت را گرمی داشت و با دادن هدایایی، به آنان

---

<sup>۱</sup> نک: خطای نامه، ص ۴۸۳.

اجازه معاودت به چین داد. حافظ ابرو در ذیل وقایع سال ۸۱۱ در مورد این ایلچیان آورده است: «چون موکب همایون از یورش سجستان مراجعت نمود، خبر وفات امیر صاحبقران به ممالک ختای<sup>۱</sup> رسیده بود و پادشاه ختای ایلچیان به جهت رسانیدن تعزیت تعیین فرموده با بیلاکات<sup>۲</sup> و تنسوقات<sup>۱</sup> آن طرف در این

---

<sup>۱</sup> ختای: به سرزمین‌های شمال غربی کشور چین در استان سین‌کیانگ اطلاق می‌شد، اما در اینجا به معنی خود کشور چین است. حمدالله مستوفی گوید وقتی حکیم هرمس جهان را به هفت بخش تقسیم کرد بخش «چهارم که وسط است کشور ایران زمین» شد و «هفتم، کشور چین و ماچین و ختا و ختن و تبت» (نزهة القلوب، ج ۲/۷۵۰). او میان چین و ختای و ختن تمیز قایل شده و آورده: «چین، مملکتی طویل و عریض است ... دارالملکش را بیچین خوانند. مردمش اغلب بت پرست باشند و بردین مانی صورتگر و درمیانشان مسلمان و ترسا بود اما جهود نیست؛ و غلبه تحکم مسلمانان را و کثرت بت پرستان را بود. و در آن ملک عامه صنعت‌ها به درجه کمال بود... ختای، مملکتی بسیار است ... و دارالملکش خان بالیغ است ... ختن، مملکتی بسیار است ... از مشاهیر بلادش کاشغرو ینگگی تلاس و صیرم و یارکند است» (همان، ج ۲/۱۰۵۰). زین‌العابدین شیروانی نیز گوید: «و ملک ختن که محتویست بر هفت شهر از کشور ترکستانست من جمله یارکند و قرقز و آق‌سواز بلاد ختن است و چکل و تاشکند و خلخ و طراز و سرای و فرخار و فرغانه و قبا و یغما و اوزکند و بی‌کند از بلاد ترکستانست» (بستان‌السیاحه، ص ۱۹۱). در مورد ولایت ختای و حاکمان ایشان نک: فخرالدین داود بناکتی، تاریخ بناکتی، ص ۳۴۰، خواجه رشیدالدین فضل‌الله، جامع‌التواریخ (تاریخ اقوام پادشاهان ختای)، صص ۱۳ و ۵۰ و الفهرست ابن ندیم، صص ۶۲۵ تا ۶۲۸.

<sup>۲</sup> بیلاکات: (جمع بیلاک)؛ تحفه‌ها، سوغات، ارمغان (دهخدا).



ایام به دارالامان هرات رسیده سخن پادشاه خود به عز عرض رسانیدند. بندگی حضرت دربارهٔ ایشان تربیت و عنایت فرموده بعد از چند روز اجازت مراجعت یافته به طرف ولایت خود معاودت نمودند.<sup>۲</sup>

### دومین گروه ایلچیان در سال ۸۱۵ هجری

چهار سال بعد از نخستین گروه ایلچیان، هیأت دوم به ابتکار دایمینگ خان به دربار شاهرخ اعزام شد. در این نوبت، جایگاه شاهرخ بر سریر قدرت تثبیت شده بود و از این رو به منظور نشان دادن وضعیت با ثبات اقتصادی و سیاسی در پذیرایی از میهمانان تلاش زیادی صورت گرفت. هیأت سیاسی چینیان حامل مکتوبی از امپراتور چین بود که پاسخ متقابل شاهرخ را به دنبال داشت. شاهرخ به همراه پاسخی که به دایمینگ خان داده بود، «نصیحت نامه‌ای» نیز بر آن افزود تا به قول حافظ ابرو «باشد که به نور هدایت و ارشاد آن حضرت از ظلمت ضلالت خلاص یابند»<sup>۳</sup> این نصیحت نامه مصحوب شیخ محمد بخشی ارسال شد. در واقع نامه شاهرخ، نوعی پاسخ خردمندانه به اشارات ناموجه دایمینگ خان در مورد یادآوری باج و خراجی که تیمور در ابتدای حالش به چینیان می‌پرداخت، است.

---

<sup>۱</sup> تنسوقات: (تنسقات)، اشیای نادر و عجایب‌ها.

<sup>۲</sup> زبدة التواریخ بایسنغری، ص ۲۹۶.

<sup>۳</sup> زبدة التواریخ بایسنغری، ص ۴۴۲.